

۲۲ معمای واقعی

درباره‌ی اختراعات

بِنگت فزدریکسون
آندراس پالمر
ترجمه‌ی ناصدار ناصر قصری
تصویرگر: الین یونسون

فهرست

۹مقدمه
۱۱گلوله‌ی گُم‌شده
۱۵پشه‌های الکترونیکی
۱۹دختران رادیومی
۲۴بالون هوای گرم با محموله‌ی جدید
۲۹قفل بی‌نقص
۳۵اسرار قلعه‌ی شوالیه‌ها
۳۹یک ایده‌ی ناب یخی
۴۴پرتاب پای
۴۷اختراع دزدیده شده
۵۳نازک‌ترین سیب‌زمینی‌های دنیا
۵۷بازی اعتراضی
۶۱ماشین‌های خودران
۶۴چسب به‌دردنخور
۶۷بالون به‌عنوان یک سلاح
۷۱کلاغ‌ها گردو و فندق را می‌شکنند
۷۴ماشین خورشیدی
۷۸لئوناردو متقلبان را گول زد
۸۲توالف‌فرنگی خودکار
۸۶مهمانی در آینده
۹۰ترن‌های هوایی شهر بازی
۹۴جعبه‌ی آتش
۹۹فلش‌های مرموز

مقدمه

همه داستان‌های این کتاب واقعی هستند. اما در این جا مانند معما روایت می‌شوند.

سعی کن حدس بزنی چگونه یک تکه یخ تبدیل به یک اختراع شد، چگونه استیون هاوکنگ ثابت کرد که سفر در زمان امکان پذیر نیست و چگونه کلاغ‌ها می‌توانند مثل انسان‌ها مخترعانی باهوش باشند.

هرآن چه را که برای حل معماها لازم است می‌توانی لابه‌لای متن یا در تصاویر پیدا کنی. سرنخ‌ها معمولاً پنهان هستند و پاسخ‌ها را می‌توان در غیرمنتظره‌ترین جا پیدا کرد.

برخی از معماها ساده هستند و برخی دیگر دشوار. اما ما مطمئن هستیم که تو همه‌ی آن‌ها را حل خواهی کرد.

موفق باشی!

گلوله‌ی گم‌شده

سال ۱۸۸۱

رییس‌جمهور جیمز گارفیلد^۱ قرار است به تعطیلات برود. این موضوع سری نیست. روزنامه‌ها نوشته‌اند که او روز دوم ژوئیه از ایستگاه قطار واشینگتن راهی خواهد شد. هیچ‌کس نمی‌داند که درج این مطلب به مرگ رییس‌جمهور ایالات متحده منجر خواهد شد.

وقتی رییس‌جمهور به ایستگاه می‌رسد، مردی به او نزدیک می‌شود. او با یک هفت‌تیر دو گلوله شلیک می‌کند و سپس پا به فرار می‌گذارد. یک گلوله به شانه‌ی رییس‌جمهور جراحی مختصری می‌رساند. گلوله‌ی دیگر به کمرش می‌خورد و زخمی‌اش می‌کند. او به زمین می‌افتد اما هشیار است.

جیمز گارفیلد را به جای بیمارستان به محل اقامتش در کاخ سفید می‌برند. دکترها خود را با عجله به آن‌جا می‌رسانند. رییس‌جمهور زخمی در تخت خودش، که تشکی نرم با فنرهای فلزی دارد، بستری می‌شود. اما پزشکان با دشواری روبرو هستند. آن‌ها محل ورود گلوله به بدن رییس‌جمهور را می‌بینند اما جای خروج آن را پیدا نمی‌کنند. پزشکان حدس می‌زنند که رییس‌جمهور تا صبح زنده نمی‌ماند. اما او تن به مرگ نمی‌دهد و صبح روز بعد از خواب بیدار می‌شود.

فصل تابستان است و هوا گرم. دستیاران رییس‌جمهور کنار چند جعبه‌ی

1. James Garfield

پُر از یخ پنکه می‌گذارند تا هوای اتاق را خنک کنند. حال جیمز گارفیلد کمی بهتر می‌شود.

اما پزشکان نمی‌توانند گلوله را پیدا کنند و مایل نیستند بدن رییس‌جمهور را در جستجوی گلوله سوراخ سوراخ کنند. این کار ممکن است به رییس‌جمهور بیشتر صدمه بزند. پزشکان ناامید هستند. همه می‌دانند وضعیت بیمار چقدر بد است.



در این موقع فکری به سر الکساندر گراهام بل می‌زند. او اخیراً دستگاهی را اختراع کرده که می‌تواند فلزها را ردیابی کند: یک فلزیاب. ردیابی گلوله با چنین دستگاهی باید آسان باشد. کافی است دستگاه را روی بدن رییس جمهور حرکت داد تا محل فلز را نشان دهد. هیچ فلز دیگری جز گلوله در بدن او وجود ندارد.

بل با دستگاه خود به کاخ سفید می‌آید. اما فلزیاب اصلاً آن‌طور که بل امیدوار بود عمل نمی‌کند.

دستگاه در همه‌جای بدن رییس جمهور ردی از فلز پیدا می‌کند و در نتیجه نمی‌توان جای گلوله را مشخص کرد.

دستگاه عیبی ندارد. پس بل و دیگران چه چیزی را در نظر نگرفته‌اند؟ چرا فلزیاب کار نمی‌کند؟

جواب

تشک پر از فنرهای فلزی بود! و علاوه بر آن در یک قاب فلزی قرار داشت. برای همین دستگاه همه جا ردی از فلز پیدا می‌کرد.

رییس جمهور گارفیلد روز ۱۹ سپتامبر درگذشت. پزشکان هرگز گلوله را پیدا نکردند. و وقتی در بدن رییس جمهور به دنبال آن گشتند، باعث پخش جرم و باکتری شدند و در نهایت بیشتر به او آسیب رساندند. پزشکان در آن زمان نمی‌دانستند که تمیز بودن دست‌ها هنگام کار مهم است. گارفیلد بر اثر عفونت خون و عفونت در سایر اعضای بدن درگذشت.

قاتل رییس جمهور یک مخالف سیاسی پریشان‌احوال بود که بلافاصله دستگیر شد. هنگامی که او دوان دوان از ایستگاه قطار بیرون می‌رفت به یک پلیس که صدای شلیک گلوله‌ها را شنیده بود، تنه زد.

قاتل به اعدام محکوم و به دار آویخته شد.

امروزه الکساندر گراهام بل از جیمز گارفیلد مشهورتر است. به این دلیل که او تلفن را نیز اختراع کرد.